رابطه بین دلبستگی، تغذیه با شیر مادر و شیوه از شیرگرفتن کودک با سبک های ارتباطی و اعتماد بین فردی در بزرگسالی

ابوالقاسم یعقوبی[1*]، حسین محققی[1]، علی اصغر چگینی[1]، سروه محمدزاده [1]

۱) گروه روان شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۱۵

چکیده

مقدمه: ارتباط اولیه کودک با مادر اساس نوع روابط فرد در بزرگسالی است. برای داشتن رابطه بین فردی سالم اعتماد عاملی ضروری است. پژوهشگران بر اهمیت رابطه مادر-کودک در دوران شیرخوارگی تاکید زیادی دارند و نشان داده اند که سلامت یا بیماری روانی افراد بزرگسال از رابطه اولیه مادر-کودک تاثیر می پذیرد و این رابطه بر سبک های ارتباطی و اعتماد در روابط بین فردی در بزرگسالی تاثیر به سزایی دارد. لذا پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه بین دلبستگی، نوع تغذیه(با شیر مادر یا شیرخشک) و شیوه از شیر گرفتن کودک(تدریجی یا ناگهانی) با سبک های ارتباطی و اعتماد بین فردی در بزرگسالی است.

مواد و روش ها: در پژوهش حاضر ۱۸۰ نفر(۹۵ مرد و ۸۵ زن) بین ۱۶ تا ۲۶ سال پرسش نامه های سبک های دلبستگی، سبک های‌ارتباطی و اعتماد بین فردی را تکمیل کردند و اطلاعات مربوط به نوع تغذیه و روش از شیر گرفتن آن ها در یک مصاحبه شفاهی از مادران شرکت کنندگان دریافت شد.

یافته های پژوهش: نوع تغذیه و روش از شیر گرفتن ارتباط معناداری با سبک های ارتباطی و اعتماد بین فردی ندارد. بین جنسیت با سبک ارتباطی مبارزه گر و اعتماد بین فردی رابطه معناداری وجود دارد.($P<0.05$) بین سبک های دلبستگی و سبک های ارتباطی رابطه معناداری به دست نیامد اما بین سبک های دلبستگی و اعتماد بین فردی رابطه معناداری وجود داشت.($P=0.001$)

بحث و نتیجه گیری: نوع دلبستگی با سبک های ارتباطی و اعتماد بین فردی در بزرگسالی رابطه معناداری دارد. لذا آموزش به مادران درباره نحوه پاسخگویی به نیازهای کودکشان می تواند گام مهمی در شکل گیری روابط بین فردی سالم و بهنجار در بزرگسالی باشد

واژه های کلیدی: دلبستگی، شیر مادر، تغذیه، سبک های ارتباطی، اعتماد

* نویسنده مسئول: گروه روان شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

Email: yaghobi41@yahoo.com

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

مقدمه

وجود روابط سالم بین فردی یکی از نشانه های سلامت روانی است. روابط گرم و صمیمی با انسان های دیگر منبع اعتماد و آسایش است. پیوند میان فردی باعث ایجاد امنیت، آرامش و احترام در افراد می شود.

ارتباط میان فردی یک تعامل گزینشی، ساخت دار و منحصر به فرد و رو به پیشرفت است که سازنده شناخت طرفین از یکدیگر و محصول این شناخت بوده و موجب خلق معانی مشترک بین آن ها می شود،(۱). برای داشتن رابطه بین فردی سالم اعتماد عاملی ضروری است،(۲)، و شکل گیری هرگونه رابطه ای بدون وجود اعتماد ناممکن است. بی تردید رشد بشریت و اکثر دستاوردهایی که داشته در سایه اعتماد تحقق یافته است. وجود اعتماد در دوستی، عشق، خانواده، سازمان ها، و جامعه ضروری است و پیامدهای مهم اجتماعی و اقتصادی دارد،(۳). اعتماد زمینه ساز پیوند میان انسان‌هاست که از نزدیک ترین نوع رابطه یعنی رابطه میان نوزاد و مادر آغاز می شود، و پس از آن است که در خانواده شکل می گیرد و به جامعه تسری می یابد.

اعتماد هنگامی شکل می گیرد که ما بر اساس تعامل با دیگران قادر به پیش بینی اعمال آنان باشیم و پس از شکل گیری بر چگونگی رفتار ما با دیگران تاثیر می گذارد.(۴)

اعتماد عبارت است از انتظاری مثبت نسبت به رفتار دیگری در شرایطی رضایت بخش. اولین شرط ضروری برقراری اعتماد بین فردی وابستگی متقابل بین فردی است و دومین شرط خطرپذیری است. اعتماد به دیگری همیشه متضمن آسیب پذیری در برابر اوست و در نتیجه ملازم با ریسک و خطر پذیری خواهد بود. در بسیاری از روابط شخصی و کاری ما به این ریسک تن در می‌دهیم زیرا زندگی بدون آن امکان پذیر نیست.

توصیف ویژگی های افرد بر اساس تجارب کودکی آن ها یکی از اصول اساسی و یکی از رویکردهای ژنتیکی در مکاتب روان پویشی است،(۵)، در این رویکردها اعتقاد بر این است که روابط اولیه کودک با مراقب خود، نوع و کیفیت رابطه او را در بزرگسالی با دیگران رقم می زند. برای مثال اگر نوباوگان تشخیص دهند که مادرشان به طور منظم غذا تأمین می کند، آموختن اعتماد بنیادی را آغاز می کنند. اگر آن ها صدای خوشایند و منظم مادرشان را بشنوند، اعتماد بیشتری را تحکیم می بخشند؛ و اگر بفهمند بین نیازهای حسی-دهانی و محیطشان مطابقت وجود ندارد بی اعتمادی بنیادی را یاد می گیرند.(۶)

یکی از عواملی که در ادبیات پژوهشی ارتباط کودک-والد زیاد به چشم می خورد، مفهوم دلبستگی است. دلبستگی نوعی ارتباط و پیوستگی عاطفی است که فرد به شخص خاصی که در زمان های پریشانی در دسترس است برقرار می کند و تمایل پایدار و عاطفی در فرد، برای بودن در جوار شخص مورد دلبستگی ایجاد می کند.(۷)

شیوه های تنظیم عواطف و برقراری ارتباط با دیگران متفاوت است. نظریه دلبستگی این تفاوت های فردی را در کودکان و بزرگسالان تبیین می کند. بالبی مدعی شد که پاسخگویی والدین به نشانه های رفتار دلبستگی کودک و در دسترس بودن آن ها در موقعیت های استرس زا پایگاهی امن برای کودک فراهم می کند که بر اساس آن انتظارات وی از محیط سازماندهی می شود. اینسورث، بلهار، واترز و وال با این فرض که سبک های دلبستگی محصول تجارب کودک از روابط مادر-کودک هستند، به مشاهده رفتار کودکان در آزمایش موقعیت های نا آشنا پرداخت و سه سبک دلبستگی ایمن اجتنابی و دوسوگرا را متمایز کردند. اینسورث و همکاران معتقدند که دلبستگی انتظارات کودک را در مورد این که آیا مادر از لحاظ عاطفی در دسترس و پاسخگو خواهد بود یا خیر شکل می دهند و تعیین می کند آیا خود ارزش عشق و محبت دارد یا خیر. کودکان ایمن به دسترس پذیری مادر بیشتر اعتماد دارند و بیش از کودکان ناایمن(اجتنابی و دوسوگرا) از وی به عنوان پایگاه امن استفاده می کنند. هنگام بازگشت مادر پس از جدایی کوتاه مدت، کودکان ایمن با سهولت تماس و تعامل برقرار می‌کنند،کودکان اجتناب گر با گسستن و اجتناب ورزیدن واکنش نشان می دهند و کودکان دوسوگرا با افزایش تردید بین بازگشت و عصبانیت واکنش نشان می دهند.(۸)

زیربنای نظریه دلبستگی، مبحث روابط موضوعی است که در روان تحلیل گری مطرح شده است. در حالی که نظریه پردازان جدیدتر مانند بالبی و اینزورث از اصطلاح«دلبستگی» در بحث های نظری خود استفاده می-کنند،(۹). روان تحلیل گران معتقدند نخستین روابط کودک، پایه و اساس شخصیت او را تشکیل می دهد. از نظر فروید نیاز زیستی پایه نیاز روانی است و کودکان خردسال موجوداتی دهانی هستند که از طریق مکیدن یا بردن اشیاء به دهان ارضاء می شوند و کودکان به کسی وابسته می - شوند که لذت دهانی آنان را فراهم سازد و وقتی که بزرگ تر می شوند، تغذیه زمان بندی شده، افزایش فواصل بین وعده ها و سر انجام از شیر گرفتن، کودک را دچار اضطراب

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

و ناکامی می کند که عموماً با تردید نسبت به موضوع مهرورز(مادر) و افزایش توانایی ایگو در دفاع از خود علیه محیط همراه است.(۶)

زمانی که مادران لذت دهانی کودک را از طریق غذا دادن ارضاء می کنند، کودکان به آنان وابسته می شوند و نرمی، شور و شوق و مهربانی مادر(در کودک احساس امنیت بیشتری ایجاد کرده و وابستگی سالم در وی توسعه می یابد.(۱۰)

کلاین،(۱۱)، اولین رابطه موضوعی کودک را پستان مادر می داند که بازنمایی جهان بیرون برای کودک خواهد بود و کودک علاقه به پستان خوب را درونی کرده و سپس آن را فرافکنی می کند. درون فکنی ها در ایگو وارد شده و پایه روابط موضوعی را تشکیل می دهند.

اریکسون به تغییر و توصیف نظریه روانی-جنسی فروید پرداخته و با دخیل کردن عوامل محیطی و اجتماعی، بیان می کند؛ کودک در تعامل با وضعیت بیرونی، دید خود را نسبت به جهان توسعه می بخشد و در نتیجه از تصویر مادری به تصویر انسانیت ارتقاء می یابد.(۱۲)

وینیکات،(۱۳)، بر اهمیت وابستگی و پیوند متقابل مادر، کودک تأکید می کند و مراقبت های مادرانه و تأثیر آن در رشد یافتگی کودک را نشان می دهد. وی معتقد است که چهره مادر به منزله آیینه ای است که تصویر را به کودک باز می گرداند. کنش نگاه مادرانه بسیار زودرس است و از زمان شیردهی آغاز می شود. دلبستگی ایمن یک سبک سالم دلبستگی است که افراد را قادر می سازد در زمان مناسب با دیگران به طور خودگردان و مناسب تعامل داشته باشد. دلبستگی ایمن با ساز و کار نظارتی درونی مشخص می شود که اجازه می دهد افراد به طور انعطاف پذیر و سازنده روابط بین فردی خود را بهبود ببخشند،(۱۴). پژوهش ها نشان می دهد سبک های متفاوت دلبستگی، با انواع مشکلات بین فردی،(۷،۱۵)، و عزت نفس پایین تر ارتباط دارد و تجارب بین فردی در سال های اولیه زندگی، کارکرد بین فردی در زندگی آینده و شیوه های تعدیل پریشانی را تحت تاثیر قرار می دهد،(۱۶). یکی از نتایج اولیه نظام رفتاری دلبستگی، تنظیم تجربه هیجانی در شرایط تهدید-کننده است،(۱۷). سبک های دلبستگی ناایمن، پیش بینی کننده قوی برای رفتارهای خصومت آمیز در روابط بین - فردی هستند،(۱۸). در حالی که سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت و معناداری با کیفیت دوستی و رابطه با همسالان دارد.(۱۹،۲۰)

دلبستگی ایمن یک نیرومندی روان شناختی مثبت است که پیامدهای مهمی برای بزرگسالی و رابطه ای مثبت با امید و اعتماد دارد،(۱۴)، به طوری که حتی در محیط های ارتباطی مجازی مانند شبکه های اجتماعی هم روابط را تحت تاثیر قرار می دهد،(۲۱)، و با وجود این که استفاده بیشتر یا کمتر از این شبکه ها را پیش بینی نمی کند اما با کیفیت و نوع تعاملات ارتباط دارد.(۲۲)

دلبستگی به عنوان مفهومی تاثیرگذار بر ویژگی های بزرگسالی مورد توجه خاص روان شناسان قرار گرفته است اما یکی از نگرانی های والدین نوع و شیوه تغذیه کودکان و روش از شیرگرفتن آن ها و تاثیری است که ممکن است بر ویژگی های روان شناختی کودکان داشته باشد. به همین دلیل در این پژوهش علاوه بر دلبستگی، رابطه نوع تغذیه کودک(شیر مادر یا شیرخشک) و نحوه از شیرگرفتن کودک(ناگهانی یا تدریجی) با سبک های ارتباطی و اعتماد در بزرگسالی بررسی می شود.

پژوهش ها نشان داده اند کودکانی که از شیر مادر تغذیه شده اند نمرات بهتری در ریاضی، املاء، خواندن و نوشتن کسب می کنند،(۲۳)، و افزایش طول مدت شیردهی با افزایش رشد شناختی کودکان همراه است،(۲۴)، اما اغلب پژوهش هایی که تاثیر شیر مادر را بررسی کرده اند، به تاثیر آن بر رشد و سلامت جسمی و رشد شناختی پرداخته اند و ویژگی های روان شناختی به ویژه روابط بین فردی و اعتماد بین فردی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در تاثیر شیردهی بر رشد شناختی هم بیشتر به اثرات ناشی از مواد مغذی موجود در شیر مادر اشاره شده است،(۲۵). از طرفی پژوهش های مربوط به تاثیر تغذیه با شیر مادر بر رشد شناختی کودکان نتایج قطعی در بر نداشته است،(۲۶)، برای مثال اگر چه تعدادی از پژوهش ها رابطه شیردهی با افزایش هوش را نشان می دهند اما شواهد ناشی از پژوهش های کنترل شده دقیق، چندان در دسترس نیست.(۲۷)

عامل بعدی روش از شیرگرفتن کودک است. همامی و همکاران،(۲۸،۲۹)، نشان دادند که از شیر گرفتن با مشکلات جسمی مانند اسهال ارتباط دارد که به دلیل میانگین تعداد دفعات تغذیه شبانه با شیر مادر و از شیرگرفتن ناگهانی و بدون مقدمه است. هم چنین ۳۴ درصد از موارد در ماه اول پس از ختم شیردهی پیامدهای نامطلوبی را تجربه کرده بودند که شایع ترین آن ها شامل اضطراب، بی قراری و کاهش وزن بود و ارتباط میان کاربرد مواد موضعی روی پستان با پیامدهای نامطلوب ختم شیردهی معنادار

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

ارزیابی شد. پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی رابطه بین دلبستگی، نوع تغذیه(با شیر مادر یا شیرخشک) و شیوه از شیرگرفتن کودک(تدریجی یا ناگهانی) با سبک های ارتباطی و اعتماد بین فردی در بزرگسالی بپردازد.

مواد و روش ها

جامعه آماری پژوهش را ۱۸۰ نفر(۹۵ مرد و ۸۵ زن) بین ۱۶ تا ۲۶ سال با میانگین سنی ۲۱ سال تشکیل می - داد. نمونه گیری به روش «در دسترس» بود. پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب همکاری شرکت کنندگان مقیاس سبک های دلبستگی، سبک های ارتباطی و اعتماد بین - فردی توسط شرکت‌کنندگان تکمیل شد و اطلاعات مربوط به نوع تغذیه و روش از شیر گرفتن آن ها به طور شفاهی از مادرانشان پرسیده شد. پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی تحلیلی است و برای تحلیل داده ها از شاخص های توصیفی فراوانی، میانگین، انحراف معیار و شاخص های استنباطی مانوا و بررسی تاثیرات تعاملی استفاده شد.

ابزارهای سنجش

الف) مقیاس سبک های دلبستگی کولینز و رید

این مقیاس شامل خود ارزیابی از مهارت های ایجاد ارتباط و خود توصیفی شیوه شکل دهی دلبستگی های نزدیک بوده و مشتمل بر ۱۸ ماده است. با علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه ای لیکرت در هر ماده(که از۰=اصلاً ویژگی من نیست تا ۴=کاملاً ویژگی من است) سنجیده می شود تحلیل عوامل، ۳ زیر مقیاس را مشخص می سازد که هرکدام شامل ۶ ماده است. این زیر مقیاس ها عبارتند از: ۱) وابستگی: میزانی که آزمودنی ها به دیگران اعتماد می‌کنند و به آن ها متکی می شوند اندازه گیری می کند. ۲) نزدیک بودن: میزان آسایش فرد در رابطه، صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه گیری می کند. ۳) اضطراب: ترس از داشتن رابطه در ارتباط ها را می سنجد.

کولینز و رید بر پایه توصیف هایی که در پرسش نامه دلبستگی بزرگسال هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسش نامه خود را تدارک دیده اند. زیر مقیاس اضطراب(a) با دلبستگی ناایمن اضطرابی- دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن(c) یک بعد دوقطبی است که اساساً توصیف های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می دهد. بنا بر این نزدیک بودن(c) در تطابق با دلبستگی، ایمنی بخش می باشد و زیر مقیاس(d) را می توان عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. برای نمره - گذاری بر اساس دستورالعمل پرسش نامه ۶ ماده مربوط به هر زیر مقیاس مشخص شده است. با توجه به این که آزمودنی علامت خود را روی کدام قسمت زده باشد نمره وی مشخص می شود. به این صورت که برای مربع های ۱ تا ۵ به ترتیب نمره ۰ تا ۴ در نظر گرفته شده است.(۳۰)

پاکدامن،(۳۰)، در پژوهش خود نشان داد این آزمون در سطح معناداری P=0.05 قابل اعتماد است. هم چنین در این پژوهش آلفای کرونباخ محاسبه گردید که زیر مقیاس اضطراب(A) بیشترین قابلیت اعتماد را داشته(۰/۷۰) و وابستگی کمترین قابلیت اعتماد(۰/۳۳۵) و قابلیت اعتماد زیر مقیاس نزدیک بودن(C) برابر ۰/۵۰ است. روایی سازه مقیاس با استفاده از روایی واگرا سنجیده شد. نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین زیر مقیاس های A و C، A و D در سطح معناداری ۰/۰۰۱ به ترتیب ۰/۳۱۳- و ۰/۳۳۶- می باشد و ضریب همبستگی بین مقیاس هاس C و D در سطح معناداری ۰/۱۴ مقدار ۰/۲۴۶ به دست آمد.

ب) مقیاس اعتماد بین فردی

این مقیاس دارای۲۱ سوال و ۳ زیرمقیاس اعتماد کلی، قابلیت اعتماد و اعتماد عاطفی است. اعتماد کلی به عنوان توانایی فرد در پیشگویی رفتارهای خاص شریک خود(اعم از مطلوب و نامطلوب) تعریف شده است. فرد پیش بینی پذیر به طور یکسان و ثابتی رفتار می کند و این ثبات رفتار، حتی شامل جنبه های بد رفتار او نیز می شود. قابلیت اعتماد به صورت توانایی اعتماد به دیگران هنگام مواجهه با خطر و آسیب بالقوه تعریف شده و اعتماد عاطفی نیز به معنای ویژگی ای است که فرد را قادر را می سازد احساس کند شریکش به حمایت و توجه او ادامه می دهد. پژوهش جانسون-جرج و سواپ،(۳۱)، روایی و اعتبار این مقیاس را تایید می کند. سوالات در دو شکل جداگانه برای زنان و مردان طراحی شده اند.

ج: مقیاس روابط بین فردی: پرسش نامه‌ای ۳۰ سوالی بود که سه سبک ارتباطی مبارزه گر، کمک کننده و فکر- کننده را از هم متمایز می کند. هرکدام از سبک ها را سوالاتی به شرح زیر تشکیل می دهند:

مبارزه‌گر(B) شامل آیتم های ۱-۴-۷-۱۰-۱۳-۱۶-۱۹-۲۲-۲۵-۲۸، کمک‌کننده(H) شامل آیتم های ۲-۵-۸-۱۱-۱۴-۱۷-۲۰-۲۳-۲۶-۲۹ و فکرکننده(T) شامل آیتم های ۳-۶-۹-۱۲-۱۵-۱۸-۲۱-۲۴-۲۷-۳۰.

ویژگی های سبک مبارزه گر عبارتند از ویژگی های مثبت شامل؛ اعتماد به نفس، کارآفرین، بلند پرواز، سازمان دهنده، قوی، دارای قدرت تجسم، رقابتی، افتخار کننده،

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

ریسک پذیر و ویژگی های منفی شامل: تکبر، فرصت طلب، بی رحم، کنترل گر، دیکتاتور، خیال پرداز، اهل مجادله و دعوا، عجول و قمارباز.

ویژگی های سبک کمک کننده عبارتند از ویژگی های مثبت شامل؛ اعتماد، خوشبین، وفادار، آرمان گرا، انفاق، حمایت کننده، مودب، سازگار و ویژگی های منفی شامل: ساده لوح، بنده وار، واهی و پوچ، فداکردن خود، مطیع، پذیرش منفعل، بی نظم و بدون اصول.

ویژگی های سبک فکرکننده عبارتند از ویژگی های مثبت شامل؛ محتاط، عمل گرا، اقتصادی، تودار، روشمند، تحلیلی، منظم و ویژگی های منفی شامل؛ مشکوک، غیر خلاق، خسیس، سرد، سفت و محکم، تکانشی، وسواسی.(۳۲)

یافته های پژوهش

جدول شماره ۱ و ۲ شاخص های آماری(فراوانی، میانگین و انحراف معیار) شرکت کنندگان را در سبک های دلبستگی، سبک های ارتباطی و نمره اعتماد نشان می - دهند.

برای تحلیل داده ها و آزمودن فرضیه از روش مانوا و تاثیرات تعاملی استفاده شد. جدول شماره ۳ و ۴ نشان داده که نوع تغذیه(با شیر مادر یا شیرخشک) و روش از شیر گرفتن(تدریجی یا ناگهانی) ارتباط معناداری با سبک های ارتباطی و اعتماد بین فردی نداشت.($P>0.001$) بین جنسیت و سبک ارتباطی مبارزه‌گر($P=0.00$) و بین جنسیت و اعتماد بین فردی($P<0.00$) رابطه معناداری وجود داشت. بین سبک دلبستگی و سبک های ارتباطی رابطه معناداری به دست نیامد($P>0.05$) اما بین سبک دلبستگی و اعتماد بین فردی رابطه معناداری وجود داشت.($P=0.00$)

جدول شماره ۱. فراوانی نوع تغذیه به تفکیک جنسیت

	دلبستگی	نوع تغذیه		جمع
		شیر مادر	شیر خشک	
ایمن	زن	۲۷	۳۹	۶۶
	مرد	۳	۲	۵
	جمع	۳۰	۴۱	۷۱
ناایمن	زن	۱۹	۱۰	۲۹
	مرد	۳۹	۴۱	۸۰
	جمع	۵۸	۵۱	۱۰۹

جدول شماره ۲. میانگین و انحراف معیار سبک های دلبستگی و اعتماد به تفکیک جنسیت

	جنسیت	مبارزه گر	کمک کننده	فکر کننده	اعتماد
مرد	انحراف معیار	۱/۹۹۸	۲/۱۷۸	۳/۱۴۲	۱۵/۲۲۹
	میانگین	۸/۱۶۸۴	۱۰/۴۴۶۸	۱۱/۰۷۴۵	۶۷/۰۱۰۵
زن	انحراف معیار	۲/۲۷۵	۲/۲۷۳	۲/۲۱۹	۹/۷۱۷
	میانگین	۱۰/۱۱۷۶	۱۰/۶۹۴۱	۱۰/۱۶۴۷	۶۵/۸۵۸۶

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

جدول شماره ۳ . نتایج ANOVA (اثرات اصلی)

منبع تغییر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
جنسیت	مبارزه‌گر	۴۸/۳۶	۱	۱۰/۲۰	۰۰۰
	کمک‌کننده	۰/۳۵	۱	۰/۰۶	۰/۷۹
	اعتماد	۰/۶۴	۱	۰/۰۸	۰/۷۵
		۱۱۹۲/۹۱	۱	۱۰/۵۶	۰/۰۰۱
نوع تغذیه	مبارزه‌گر	۰/۴۳	۱	۰/۰۹	۰/۷۶
	کمک‌کننده	۴/۷۵	۱	۰/۹۱	۰/۳۴
	فکرکننده اعتماد	۱۱/۶۲	۱	۱/۵۹	۰/۲۰
		۲۴/۵۱	۱	۰/۲۲	۰/۶۳
روش از شیر گرفتن	مبارزه‌گر	۰/۱۸	۱	۰/۰۳	۰/۰۳۹
	کمک‌کننده فکرکننده	۰/۰۰۳	۱	۰/۰۰۱	۰/۹۸
	اعتماد	۱/۱۹	۱	۰/۱۶	۰/۶۸
		۸/۷۴	۱	۰/۰۷	۰/۷۷
دلبستگی	مبارزه‌گر	۲/۸۵	۱	۰/۶۰	۰/۴۳
	کمک‌کننده فکرکننده	۰/۹۵	۱	۰/۱۸	۰/۶۶
	اعتماد	۱۳/۲۴	۱	۱/۸۱	۰/۱۸
		۳۹۸۲/۹۵	۱	۳۶/۱۷	۰۰۰

جدول شماره ٤. اثرات تعاملی

منبع تغییر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
جنسیت* نوع تغذیه	مبارزه‌گر	۰/۱۷۸	۱	۰/۰۳	۰/۸۴
	کمک‌کننده فکرکننده	۱/۶۸	۱	۰/۳۲	۰/۵۷
	اعتماد	۰/۷۳	۱	۰/۱۰	۰/۷۵
		۳۲/۴۵	۱	۰/۲۹	۰/۵۸
جنسیت* روش از شیر گرفتن	مبارزه‌گر	۰/۱۱۱	۱	۰/۰۲	۰/۸۷
	کمک‌کننده	۱/۸۳	۱	۰/۳۵	۰/۵۵
	فکرکننده	۱/۱۵	۱	۰/۱۵	۰/۶۹
	اعتماد	۴۱/۰۳	۱	۰/۳۷	۰/۵۴
جنسیت* دلبستگی	مبارزه‌گر	۰/۴۲	۱	۰/۰۸	۰/۷۶
	کمک‌کننده فکرکننده	۸/۱۵	۱	۱/۵۷	۰/۲۱
	اعتماد	۸/۳۳	۱	۱/۱۴	۰/۲۸
		۸۸/۲۹	۱	۰/۸۰	۰/۳۷
نوع تغذیه * روش از شیر گرفتن	مبارزه‌گر	۰/۳۱	۱	۰/۰۶	۰/۷۹
	کمک‌کننده فکرکننده	۳/۵۶	۱	۰/۶۸	۰/۴۰
	اعتماد	۶/۴۴	۱	۰/۸۸	۰/۳۴
		۷۹/۶۹	۱	۰/۷۲	۰/۳۹
نوع تغذیه * دلبستگی	مبارزه‌گر	۰/۰۰۲	۱	۰/۰۰۱	۰/۹۸
	کمک‌کننده فکرکننده	۱/۱۳	۱	۰/۲۱	۰/۶۴
	اعتماد	۱۶/۸۳	۱	۲/۳۰	۰/۱۳
		۱۸/۵۴	۱	۰/۱۶	۰/۶۸
روش از شیر گرفتن* دلبستگی	مبارزه‌گر	۳/۴۰	۱	۰/۷۱	۰/۳۹
	کمک‌کننده فکرکننده	۰/۰۴	۱	۰/۰۰۸	۰/۹۲
	اعتماد	۰/۶۴	۱	۰/۰۶	۰/۸۰
		۱۱۰/۵۵	۱	۱	۰/۳۱

بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که تغذیه با شیر مادر یا شیرخشک و روش از شیر گرفتن کودک تاثیری بر روابط بین فردی و اعتماد بین فردی در دوره بزرگسالی ندارد، اما بین سبک دلبستگی و اعتماد بین فردی رابطه معناداری وجود دارد. وینی کات،(۱۳)، معتقد است که در ادبیات روان شناسی واژه تغذیه با شیر مادر با نوعی مراقبت توام با توجه شخصی مادر تداعی می شود و برای رسیدن به روابط بین

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

فردی و سلامت روان شناختی شیر مادر ضروری نیست و مادر می تواند کودک خود را بدون آن، هم به خوبی بزرگ کند و همه چیز به این بستگی دارد که شیوه به کار گیری مادر به چه صورت است و این با یافته های قبلی درباره تغذیه با شیر مادر هماهنگ است. برای مثال بریتون و همکاران،(۳۳)، نشان دادند که تغذیه با شیر مادر با دلبستگی رابطه ندارد و در عوض کیفیت تعامل مادر–کودک است که دلبستگی ایمن را پیش بینی می کند. البته حساسیت بالای مادران در قبال کودک رابطه مستقیمی با طول شیردهی دارد و می تواند واسطه ای بین شیردهی و ایجاد دلبستگی باشد. تعاملات مراقب–کودک،(۳۴)، و سبک فرزند پروری والدین است که سبک دلبستگی و در نتیجه کیفیت روابط بین فردی، عزت نفس و شایستگی اجتماعی آنان را تعیین می کند،(۳۵)، نه نوع تغذیه یا شیوه از شیر - گرفتن آن ها. به همین دلیل است که کودکان دارای نقص های بینایی یا شنوایی نسبت به کودکان سالم دلبستگی ناایمن‌تری دارند چرا که این نقایص باعث کاهش ارتباط کودک–والد می شوند،(۳۴). حتی تاثیر مثبت شیر مادر بر رشد شناختی کودک تنها زمانی است که تغذیه با شیر مادر با سایر رفتارهای مثبت والدینی مانند ارتباط بدنی و کلامی بیشتر همراه باشد،(۲۵). نظریه پردازان گشتالتی هم مفاهیم انگیزشی مانند تعلق داشتن و نزدیکی یا مجاورت را تبیین - های رضایت بخشی برای رفتارهای فرد بدون رجوع به تجارب گذشته می دانند.(۵)

تبیین دیگری که برای ارتباط دلبستگی با اعتماد و روابط بین فردی می توان بیان کرد این است که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، دارنده شبکه های اجتماعی حمایتی بزرگ تر و رضایت بخش تر و در نتیجه ارتباط اجتماعی مناسب تری هستند. شبکه های حمایتی باعث ایجاد جرات مندی و خودافشاگری بیشتر و در نتیجه آن، ارتباط بین فردی مناسب تری می شوند.(۳۶)

درک مثبت، تمایل به بخشش و مهار هیجان های منفی از ویژگی های افراد دارای دلبستگی ایمن است،(۳۷)، که همگی تسهیل کننده اعتماد و ارتباط بین فردی هستند و زمینه ارتباطی سالم را فراهم می کنند. اما افراد ناایمن دارای افکار و عقاید پارانوئید هستند،(۳۸)، که تخریب‌کننده اعتماد و روابط بین فردی است. در کل می توان نتیجه گرفت شور و شوق، مسئولیت پذیری، حساسیت و رفتار گرم، مهربان و مادرانه تعیین کننده سبک دلبستگی ایمن کودک می شود،(۱۰)، و سبک دلبستگی ایمن بر اعتماد بین فردی و سبک های ارتباطی کودک تاثیرگذار خواهد بود.

References

1-Sajedi S, Atashpoor SH, Kamkar M, Samsamshariyat M. [The effect of life skills training on interpersonal relationship,self steem and assertiveness on blind girls.] Danesh-va-Pajoohesh dar Ravanshenasi 2009; 39: 14-26. (Persian)

2-Righetti F, Finkenauer C. If You are able to control yourself, i will trust you: the role of perceived self-control in. J Personal Soc Psychol 2011; 100:145-9.

3-Delgado-Márquez BL, Hurtado-Torres NE, Aragón-Correa JA. On the Measurement of Interpersonal Trust Transfer: Proposal of Indexes. Soc Indicat Res 2013; 113: 433-49. (Persian)

4-Arshadi N, Piriayi S. [Employee's trust propensity, supervisor's trustworthiness and interpersonal trust as antecedents of workplace deviance.] J Care Organization Counsel 2012; 4: 83-100. (Persian)

5-Goldman F. Breastfeeding and characterformation. J Personal 1948; 17: 88-103.

6-Feist GJ. Theories of personality. New York: Mc Graw; 2002.

7-Berry K, Wearden A, Barrowclough C, Liversidge T. Attachment styles, interpersonal relationships and psychotic phenomena in a non-clinical student sample. Personal Individ Diff 2006; 41:707-18.

8- Besharat MA, Joshanlu M, Mirzamani SM. [Relation of attachment styles with positive and negative perfectionism.] Daneshvare Raftar 2007; 14:14-8. (Persian)

9- Bowlby J. Attachment and Loss. 7th ed. New York: Tavistock Institute of Human Relations; 1969.

10- Tabae ES, Noori A, Malekpoor M, Abedi A. Relation between secure attachment and maternal behavior factor. Fam Res 2011; 7: 293-310. (Persian)

11- Klein M. The Psychoanalisis of children. New York: Grove Press, Inc.; 1960.

12- Mansoor M, Dadsetan P. [Genetic psychology.] Tehran: Roshd; 2002. (persian)

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

13- Winnicott DW. Thinking about children. Massachusetts: A Merloyd Lawrence Book-Addison-Wesley; 1996.
14- Bret SL, Janaki G, Nelson DL, Little LM. Secure attachment: implications for hope, trust, burnout, and performance. J Organization Behav 2009; 30: 233-47.
15- Horowitz LM, Rosenberg SE, Bartholomew K. Interpersonal problems, attachment styles, and outcome in brief dynamic psychotherapy. J Consult Clin Psychol 1993; 61:549-60.
16- Berry K, Barrowclough C, Wearden A. Attachment theory: A framework for understanding symptoms and interpersonal relationships in psychosis. Behav Res Therap 2008; 46:1275-82.
17- Borelli JL, Crowley MJ, David DH, Sbarra DA, Anderson GM, Mayes LC. Attachment and emotion in school-aged children. Emotion 2010; 10: 475-85.
18- Haghighat ME, Aghamohamadian SH, Ghanbari BA, Mahram B. [A comparative study of adult rapists' attachment styles and its domains with non rapists.] Stud Educat Psychol 2010; 11: 279-96. (Persian)
19- Arefi M, Navabinezhad S, Sanayi B. [Investigation of the relationship between attachment styles and friendship quality.] Counsel Res Develop 2006; 5:9-31. (Persian)
20- Doumen S, Luyckx D, Vanhalst V. Identity and perceived peer relationship quality in emerging adulthood:The mediating role of attachment-related emotions. J Adolesc 2012; 12: 1417-25.
21- Wu C, Lin Y. The influence of adult attachment styles on the sense of trust to cyber-others and cyber self-certainty. J Cyb Cult Inform Soc 2005; 9: 325-42.
22- Jenkins-Guarnieri MA, Wright SL, Hudiburgh LM. The relationships among attachment style, personality traits, interpersonal competency, and Facebook use. J Appl Develop Psychol 2012; 33: 294-301.
23- Oddy WH, Li J, Whitehouse AJO, Zubrick SR, Malacova E. Breastfeeding duration and academic achievement at 10 years. Pediatrics 2011; 127:137-45.
24- Daniels MC, Adair LS. Breast-Feeding Influences Cognitive Development in Filipino Children. J Nutr 2005; 135: 2589-95.
25- Gibson-Davis CM, Brooks-Gunn J. Breastfeeding and verbal ability of 3-year-olds in a multicity sample. Pediatrics 2006; 118: 1444-51.
26- Walfisch A, Sermer C, Cressman A, Koren G. Breast milk and cognitive development—the role of confounders: a systematic review. Obstet Gynaecol 2013; 5:561-8.
27- Jain A, Concato J, Leventhal J. How good is the evidence linking breastfeeding and intelligence? Pediatrics 2002; 109: 1044-53.
28- Homami S, Afshari P, Monajemzade SM, Latifi SM. [Relationship between weaning of children with diarrhea in toddlers.] J Semnan Uni Med Sci 2006; 5:41-7. (Persian)
29- Homami S, Poormohamadi B, Mansoorian A. [The causes, consequences and methods of weaning children under 3 years.] Jundishapur Sci Med J 2005; 6:341-7. (Persian)
30- Pakdaman S. [The relationship between attachment and community seeking in adolescence.] Jundishapur Sci Med J 2001; 8:562-8. (Persian)
31- Johnson-George C, Swap WC. Measurement of specific interpersonal trust: Construction and validation of a scale to assess trust in a specific other. J Person Soc Psychol 1982; 43:1306-17.
32- Cook S. Compendium of questionnaires and inventories Massachusetts: HRD Press, Inc.; 2007.
33- Britton JR, Britton HL, Gronwaldt V. Breastfeeding, sensitivity, and attachment. pediatrics. 2006; 118:1436-43.
34- Momeni F, Malekpoor M, Molavi H, Amiri S. [Comparison of secure, avoidance/anxiety insecure and anxiety insecure attachment styles between young adults with visual or auditory defects and normal people in isfahan city.] J Res Behav Sci 2010; 8:103-13. (Persian)
35- Betts LR, Trueman M, Chiverton L, Stanbridge A, Stephens J. Parental rearing style as a predictor of attachment and psychosocial adjustment during young adulthood. J Soc Person Relation 2013; 30: 675-93.

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-11-23]

36- Anders SL, Tucker JS. Adult attachment style, interpersonal communication competence, and social support. Person Relation 2000; 7: 379-89.
37- Rajayi A, Nayeri M, Sedaghati S. [Attachment styles and marital satisfaction.] Develop Psychol 2007; 3: 347-356. (Persian)
38- Pickering L, Simpson J, Bentall RP. Insecure attachment predicts proneness to paranoia but not hallucinations. Person Individ Differ 2008; 44:1212-24.

Relationship of Attachment, Breastfeeding and Weaning Styles with Communication Styles and Interpersonal Trust in Adulthood

Yaghobi A[1], Mohagheghi H[1], Chegini A[1], Mohammadzadeh S[1]*

(Resived:October 15, 2013 Accepted: January 5, 2014)

Abstract

Introduction: Child-mother primary relationnship is the basis of next relationship in adulthood. To have a healthy interpersonal relationship, trust is considered as an important factor. Researchers emphasize on the mother-child relationship in infancy and have shown that the mental illness or health of individuals in adulthood is affected by the child-mother primary relationship and this, in turn, affects communication styles and trust in interpersonal relationship during adulthood. Hence, this study aimed to investigate relationship of attachment, breastfeeding and weaning styles with communication styles and interpersonal trust in adulthood.

Materials & Methods: In the present study, 180 persons (95 men and 90 women), aged 16-26 years, filled attachment style, comm.-unication style and interpersonal trust questionnaires. Information about nutrition type and weaning style was gathered through interview with their mothers.

Findings: Nutrition type and weaning styles did not have any significant relation with communication styles and interpersonal trust. There was a significant relationship between gender, battler communication style and interpersonal trust ($p<0.05$). There was not significant relationships between attachment and communication styles, but there was a significant relationship between attachment styles and interpersonal trust ($p=0.001$).

Discussion & Conclusion: Attachment style has a significant relationship with communication style and interpersonal trust. Hence, mother's education regarding response to their children needs can be an important step for the evolvement of a healthy interpersonal relationship in adulthood.

Keywords: Breastfeeding, nutrition, comm.-unication styles, trust.

1. Dept of psychology, Bu Ali Sina University. Hamedan, Iran. (Corresponding author)
(Corresponding author)

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-11-23]